

نقدی بر کتاب آینده قدرت

آینده قدرت یا آینده ایالات متحده آمریکا؟

حاکم قاسمی*

چکیده

کتاب *آینده قدرت*، اثر جوزف نای، با بررسی تحولات بین‌المللی، انواع قدرت را توضیح می‌دهد و ضمن بررسی شرایطی که کاربرد انواع قدرت را مؤثر می‌سازد محدودیت‌های آن‌ها را نیز تبیین می‌کند. در این کتاب، پس از بررسی انواع قدرت، وضعیت قدرت آمریکا ارزیابی و ضعف‌های آن ذکر می‌شود. نویسنده به‌کارگیری هر یک از انواع قدرت را برای حفظ قدرت آمریکا کارساز نمی‌داند و راه کارساز شدن آن‌ها را تلفیق هوشمندانه همه انواع و منابع مختلف قدرت معرفی می‌کند. نای راه‌برد قدرت هوشمند را برای حفظ برتری آمریکا در جهان ارائه و سیاست‌مداران آمریکا را به تبعیت از آن دعوت می‌کند. این کتاب به‌شدت آمریکامحور است و بیش از آن‌که درباره آینده قدرت و ماهیت آن باشد درباره کشور قدرت‌مند آینده است. این ویژگی کتاب را به مجموعه دستورالعملی سیاسی برای سیاست‌مداران آمریکایی جهت حفظ قدرت و موقعیت جهانی آمریکا تبدیل می‌کند و گرایش‌ها و آمال سیاسی نویسنده را منعکس می‌کند که البته بر سیاست‌مداران و سیاست‌های آمریکا به‌ویژه دموکرات‌ها و سیاست‌های آن‌ها تأثیر عمیق داشته است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، قدرت سخت، قدرت هوشمند، جوزف نای، آمریکا.

۱. مقدمه

آینده قدرت (The Future of Power)، به قلم جوزف اس. نای (Joseph S. Nye)، در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) در آمریکا منتشر شد و در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) در ایران توسط احمد

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ghasemi20@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۰

عزیزی به فارسی ترجمه و توسط نشرنی در تیراژ ۱۰۰۰ و در ۳۶۰ صفحه انتشار یافت. این کتاب یک سال بعد در ۱۳۹۳ به چاپ دوم رسید. در این کتاب، تلاش شده است تا تصویری از آینده قدرت در پیش چشم ما ترسیم شود. نویسنده تحولات مختلف را بررسی کرده و تأثیرات آن‌ها را بر قدرت توضیح داده و سعی کرده است تغییر و تحول در قدرت و شکل آینده آن را تبیین کند. نویسنده با بررسی تغییرات در منابع و عناصر تولید قدرت سعی کرده آمریکا را مورد ارزیابی قرار دهد. نای هدف از تدوین کتاب را چنین بیان کرده است: «امید من این است که با شفاف‌تر کردن این مقال (مفهوم قدرت) گشاینده منظره فراگیرتر به افق‌های راه‌بردی باشم؛ این منظر چه‌بسا همان قدرت هوشمند باشد» (نای ۱۳۹۳: ۲۰).

نای با فرض این‌که آمریکا قدرت برتر در اوایل قرن ۲۱ است ضعف‌های آمریکا را یادآور می‌شود و راه‌کار مقابله با این ضعف‌ها را برای جلوگیری از افول قدرت آمریکا ارائه می‌کند؛ راه‌کاری که منتهی به نوآوری نای و پیش‌نهاد راه‌برد قدرت هوشمند می‌شود. این‌که قدرت چه تغییری کرده؟ منابع تولید قدرت کدام‌اند؟ و چگونه به تولید قدرت سخت و نرم منتهی می‌شوند؟ و قدرت هوشمند چیست؟ پرسش‌هایی است که نویسنده تلاش کرده با پاسخ به آن‌ها تغییر وضعیت قدرت کشورها را تبیین کند. از نظر نویسنده، آمریکا با توجه به عناصر و منابع قدرتی که دارد با استفاده از قدرت هوشمند می‌تواند قدرت و موقعیت خود را حفظ کند. نای می‌نویسد: «بحث گذار و جابه‌جایی قدرت در قرن بیست و یکم با تمرکز بر فرود آمریکا در آن نادرست و گمراه‌کننده است» (همان: ۲۷۱). وی با معرفی قدرت هوشمند می‌نویسد: «ظفرمندی آمریکا در قرن بیست و یکم منوط به بازکشف شیوه‌های مبدل شدن به قدرتی هوشمند است» (همان: ۳۱۰)؛ از این رو، راه‌برد قدرت هوشمند را به دولت آمریکا پیش‌نهاد می‌کند. راه‌بردی که عمل به آن در دستورکار دموکرات‌ها و دولت اواما قرار گرفت.

۲. معرفی نویسنده اثر

نای یک نظریه‌پرداز در حوزه روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. وی استاد دانشکده حکومت‌داری کندی در دانشگاه هاروارد است و آثار مختلفی در زمینه روابط بین‌الملل منتشر کرده است. بیش‌تر آثارش درباره قدرت و امنیت است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: رهبری رؤسای جمهور و خلق عصر امریکایی (*Presidential Leadership and the Creation*

نقدی بر کتاب *آینده قدرت*؛ آینده قدرت یا آینده ایالات متحده آمریکا؟ ۲۶۷

Soft Power: (of the American Era) (۲۰۱۳)، قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست جهانی ()
(The Power Game) (۲۰۰۴)، بازی قدرت ()
(The Paradox of American Power) (۲۰۰۲)، فهم
منازعات بین‌المللی (۱۹۹۳)، و مجموعه قدرت در عصر اطلاعات جهانی
(Global Information) Age (۲۰۰۴).

نای در محافل سیاسی و اجرایی ایالات متحده نیز به‌عنوان کسی که نظریات قابل‌اعتنایی دارد شناخته می‌شود. از جمله مسئولیت‌هایی که بر عهده داشت عبارت است از: معاون وزیر دفاع در امور امنیت بین‌الملل (Assistant Secretary of Defense for International Security Affairs)، رئیس شورای اطلاعات ملی (National Intelligence Council)، مسئول برنامه منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در دولت جیمی کارتر (۱۹۷۶-۱۹۸۰)، و رئیس مشترک (همراه با ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر خارجه جورج بوش پسر) کمیسیون دوحزبی قدرت هوشمند در مرکز مطالعات راه‌بردی و بین‌المللی. نای ضمن مسئولیت‌های دانشگاهی و اجرایی به‌عنوان مشاور مقامات رسمی ایفای نقش کرده است. به‌علاوه از وی برای ارائه نظر و مشورت در جلسات سیاسی داخلی و بین‌المللی دعوت می‌شود (Profile of Josep Nye).

از مواردی که نای برای ارائه نظر به جلسه‌ای دعوت شد دعوت وی به شورای فرهنگی انگلیس در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ (فروردین ۱۳۹۰) بود. موضوع بحث جلسه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱ بود. در جلسه موضوع ایران و چگونگی مقابله با آن نیز مطرح شد. نای باصراحت با کاربرد قدرت سخت و اقدام نظامی ضد جمهوری اسلامی ایران مخالفت کرد و کاربرد قدرت نرم را مناسب‌ترین راه برای تحت فشار قراردادن نظام سیاسی ایران معرفی و از تحریم اقتصادی ایران حمایت کرد (نای ۱۳۸۹). نای با توجه به مسئولیت‌های اجرایی و مشاوره‌ای مقامات رسمی آمریکا شخصیتی صاحب‌نفوذ و مؤثر در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ایالات متحده آمریکا است.

۳. استقبال از نظرات نای در ایران

کتاب *قدرت نرم نای* در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) منتشر شد. چهار سال بعد در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) به فارسی ترجمه شد و مورد توجه زیاد قرار گرفت. کتاب *آینده قدرت* هم یک سال بعد از ترجمه در سال ۱۳۹۳ به چاپ دوم رسید. با انتشار کتاب‌های نای در ایران و استقبال از آن‌ها نظریات نای به سرعت در ایران رواج پیدا کرد و مورد توجه قرار گرفت. نای

بیش از همه به دلیل نظریه‌پردازی درباره قدرت نرم و قدرت هوشمند (smart power) معروف شد. شخصیت‌های سیاسی، مراکز قدرت، و محافل سیاسی ایران نظرات نای را مورد توجه قرار دادند و در موارد زیادی آن را به‌عنوان سیاست رسمی دولت ایالات متحده آمریکا مورد نقد و بررسی قرار دادند. مجامع دانشگاهی ایران نیز به نقد نظریه قدرت نرم و قدرت هوشمند پرداختند و ضمن بررسی محتوا و ماهیت آن، عوامل مؤثر در ارائه این نظریه و پی‌آمدهای آن را در سیاست خارجی کشورها و در روابط بین‌الملل توضیح دادند. در این باره مقالات و کتاب‌های متعددی به‌رشته تحریر درآمد و فصل‌نامه‌هایی با این نام منتشر شد و پایان‌نامه‌های زیادی به این موضوع اختصاص یافت. توجه به نظریات و آثار نای در ایران علل مختلفی دارد:

۱. نویسنده آن یکی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است که دیدگاه‌هایش نظریاتی قابل اتکا برای شناخت تحولات بین‌المللی به حساب می‌آید. از این منظر، آثار نای در محافل علمی و دانشگاهی همواره مورد استناد قرار می‌گیرد و در نگارش کتاب‌ها و مقالات در زمینه‌های مرتبط به آن‌ها ارجاع داده می‌شود.

۲. کتاب‌های نای در فضایی به‌چاپ رسید که انقلاب‌های رنگی در برخی از کشورها به‌وقوع پیوست و یا در حال وقوع بود. نخستین نمونه «انقلاب رنگی» در ۱۷ نوامبر تا ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ در چکسلواکی واقع شد و با وقوع تحولات مشابهی به‌شکل زنجیره‌ای در صربستان (دو مرحله ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰)، گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴)، و قرقیزستان (۲۰۰۵) ادامه یافت. هم‌زمانی این تحولات با ارائه نظریه قدرت نرم و انتشار کتابی در این باره موجب شد تا از یک سو آثار نای تبیینی دقیق از تحولات جاری به‌نظر برسد و از سوی دیگر بیانی از سیاست‌های آمریکا در مناطق مختلف جهان جلوه کند. این دیدگاه با اعلام طرح خاورمیانه بزرگ توسط آمریکا، که بر ایجاد تغییرات در خاورمیانه بدون کاربرد زور تأکید داشت، تقویت شد. بر این اساس سیاست‌مداران، اندیشمندان، مخاطبان، و علاقه‌مندان ایرانی به‌سمت مطالعه این آثار گرایش یافتند تا هم تبیین دقیقی از تحولات به‌دست آورند و هم با سیاست‌های جدید آمریکا آشنا شوند.

۳. برخی از آثار و کتاب‌های نای از جمله کتاب قدرت نرم و کتاب آینده قدرت درباره آمریکا است. کشوری که اولاً به‌عنوان یک ابرقدرت بازیگری مؤثر در روابط بین‌الملل است. و ثانیاً روابطش با جمهوری اسلامی ایران وضعیت خاص و ویژه‌ای دارد و همواره با بدبینی همراه بوده است. روابطی که نه تنها مناسبات دوجانبه بلکه مناسبات ایران با سایر کشورها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از این جهت، مطالعه این آثار در کسب شناخت بهتر از آمریکا

و سیاست‌های آن به‌عنوان بازیگر تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و مناسباتش با سایر کشورها بسیار مؤثر است.

۴. نای و افرادی نظیر وی افرادی تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امریکا شناخته می‌شوند؛ از این رو، نظریاتش به‌شدت بر سیاست‌ها و فرایندهای سیاسی و سیاست‌گذاری در امریکا تأثیر می‌گذارد. بنابراین، آثار وی منبعی برای شناخت سیاست‌های امریکاست.

۴. آینده قدرت از منظر نای

کتاب/آینده قدرت یک پیش‌گفتار، سه بخش، و یک نتیجه‌گیری دارد. در پیش‌گفتار نویسنده با اشاره‌ای به وضعیت قدرت امریکا در قرن بیست‌ویکم، استفاده از قدرت هوشمند را برای حفظ موقعیت امریکا پیش‌نهاد و دلایل نگاشتن این کتاب را مطرح می‌کند. نای می‌نویسد: «سعی من این بوده که مفاهیم را ضمن کندوکاوی در آینده قدرت امریکا به شیوه‌ای عملی برای دیگر کشورها نیز بسط و تفصیل دهم» (نای ۱۳۹۳: ۲۰). وی با توجه به تحولات قدرت در قرن بیست‌ویکم تأکید دارد که امریکا برای حفظ قدرتش باید به این تحولات توجه کند.

۱.۴ انواع قدرت

بخش اول کتاب چهار فصل دارد و «انواع قدرت» نام دارد. نویسنده کوشیده است تا قدرت و انواع قدرت را توضیح دهد. در فصل اول زیر عنوان «چیستی قدرت» ماهیت قدرت و چگونگی اعمال قدرت تبیین شده است. نویسنده ابهام‌های موجود و فقدان تعریف واحد از قدرت را یادآور شده و تعریف خود از قدرت را چنین ارائه می‌کند: «ظرفیت انجام کاری و در شرایط اجتماعی اثرگذاری بر دیگران در راستای کسب نتایج مطلوب» (همان: ۲۶). نویسنده به عواملی که می‌توانند بر توانایی ما تأثیر بگذارند و منابع متعددی که می‌توانند منشاء قدرت باشند اشاره می‌کند و قدرت را دارای وجوه سه‌گانه می‌داند و می‌کوشد آن‌ها را معرفی کند: وجه اول وجهی است که از تهدید و پاداش استفاده می‌شود؛ وجه دوم قدرت این است که برنامه خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که طرف مقابل را در انتخاب‌های راه‌بردی محدود سازیم؛ و وجه سوم آن است که باورها، برداشت‌ها، و خواسته‌های طرف مقابل را شکل داده و تحت تأثیر قرار دهیم.

نویسنده با اشاره به مکتب رئالیسم در روابط بین‌الملل که بر وجه اول قدرت و کاربرد زور تأکید دارد می‌نویسد با تحولات بین‌المللی و ظهور بازیگران جدید و بروز وابستگی‌های متقابل و شکل‌گیری شبکه درهم‌تنیده‌ای از مناسبات فراملی دیگر شرایط هرج و مرج گونه‌موردنظر رئالیسم معنای خود را از دست داده و تنها کاربرد زور کارساز نیست. وی به رفتار زاینده قدرت نرم اشاره و به کارگیری قدرت نرم را در روابط بین‌الملل مطرح می‌سازد. درعین حال، کاربرد قدرت سخت را نفی نمی‌کند و استفاده از هر دو قدرت را با توجه به شرایط بین‌المللی ضروری می‌شمارد. بنابراین، مفهوم قدرت هوشمند به معنای توانایی تلفیق منابع قدرت سخت و نرم برای دستیابی به راه‌بردهایی کارگشا (همان: ۴۸) را پیش می‌نهد. نای قبلاً مفهوم قدرت هوشمند را در آثار خود مطرح کرده بود (نای ۱۳۸۷؛ Nye 2007)؛ اما در این کتاب آن را بسط می‌دهد و ضرورت‌ها، الزامات، و چگونگی به‌کارگیری آن را توضیح می‌دهد (نای ۱۳۹۳: ۲۳-۵۱).

در فصل دوم ویژگی‌های قدرت نظامی تبیین و درباره این که چگونه ابزارهای نظامی می‌تواند منبع قدرت باشد و کشورها را به اهدافشان برساند توضیح داده شده است. نای قدرت نظامی را منبعی می‌داند که زاینده قدرت سخت، جنگ، و تهدید است که در مواقعی که هیچ چاره دیگری نباشد اهمیت خاص می‌یابند؛ با این همه، نای معتقد است با توجه به تغییرات و تحولات از فایده‌مندی نیروهای نظامی کاسته شده است. وجود زرادخانه‌های هسته‌ای، افزایش هزینه‌های نیروهای نظامی متعارف، محدودیت‌های داخلی کاربرد نیروی نظامی، و ظهور شرایط ناشی از وابستگی‌های متقابل که کاربرد زور را محدود می‌کند از جمله دلایل افت فایده‌مندی نیروهای نظامی است.

نای تأکید می‌کند درگیری‌های مسلحانه از بین نرفته و از اهمیت قدرت نظامی کاسته نشده، اما جنگ‌ها متحول شده‌اند. بنابراین، کاربرد نیروهای نظامی به شکل سنتی نمی‌تواند منبع قدرت باشد. نای تلاش برای کاربرد نیروی نظامی و استفاده از قدرت سخت را چندان کارساز نمی‌داند. آنچه می‌تواند نیروهای نظامی را به منبع قدرتی کارساز تبدیل کند توانایی تبدیل منابع نظامی به نتایج رفتاری موردنظر است. نای بین قدرت نظامی به‌عنوان قدرت سخت با قدرت نرم ارتباط برقرار می‌کند و آن‌ها را در صورتی مؤثر می‌داند که به‌صورت مکمل یک‌دیگر مورد استفاده قرار گیرند. وی ترکیب موفق این دو نوع از قدرت را نمودی از قدرت هوشمند می‌داند. نای با این دیدگاه که قدرت نظامی، به‌رغم تغییرات، بر وجوه مختلف قدرت می‌تواند تأثیر بگذارد و باعث افزایش توان‌مندی شود نتیجه می‌گیرد در قرن بیست‌ویکم قدرت نظامی هم‌چنان به‌عنوان منبع اصلی قدرت باقی خواهد ماند (همان: ۵۱-۸۳).

در فصل سوم کتاب که «قدرت اقتصادی» نام دارد نویسنده رابطه متقابل اقتصاد و قدرت را توضیح می‌دهد. نای منابع اقتصادی را هم قدرت سخت و هم قدرت نرم معرفی می‌کند. وی به وابستگی متقابل اقتصادی اشاره و آن را به شدت بر قدرت تأثیرگذار توصیف می‌کند. وابستگی متقابل موجب حساسیت و آسیب‌پذیری می‌شود. کشوری که وابستگی بیشتری دارد حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر است، اما بدان معنا نیست که کشوری که وابستگی‌اش کم‌تر است آسیب‌پذیر نیست. وابستگی متقابل به گونه‌ای است که گاهی کشوری که وابستگی چندانی هم ندارد آسیب‌پذیر می‌شود. نویسنده به مفهوم موازنه وحشت مالی اشاره می‌کند و آن را شبیه به موازنه وحشت هسته‌ای تشبیه می‌کند که در آن هریک از طرف‌ها به‌رغم آن‌که توان آسیب‌زدن به دیگری را دارند اما از ترس اقدام متقابل از هرگونه اقدامی علیه رقیب خودداری می‌کنند.

نویسنده به معرفی منابع قدرت اقتصادی می‌پردازد. منابع طبیعی به‌عنوان منبع قدرت معرفی می‌شوند و در این میان، درباره منابع مهمی مانند نفت و گاز توضیح داده می‌شود. کشورهایی که این منابع را در اختیار دارند با توجه به نیاز دیگران به آن‌ها از قدرت تأثیرگذاری برخوردارند. از منابع اقتصادی به‌عنوان اهرم‌های تشویق و تنبیه استفاده می‌شود. نای توضیح می‌دهد که چگونه با این اهرم‌ها می‌توان بر دیگران تأثیر گذاشت. تشویق‌ها و کمک‌های اقتصادی می‌تواند موجب قدرت دریافت‌کننده کمک شود، اما با وابستگی‌هایی که ایجاد می‌کند موجب آسیب‌پذیری می‌شود. مهم‌ترین شکل تنبیه را نویسنده کاربرد تحریم می‌داند، اما به محدودیت‌های آن‌ها اشاره می‌کند. نویسنده کاربرد تنبیه صرف را مؤثر نمی‌داند. اما پیش‌بینی می‌کند که در قرن بیست‌ویکم هم‌چنان به‌عنوان یک اهرم مورد استفاده قرار گیرد. نای کاربرد متناسب و به‌جا را در تشویق و تنبیه مؤثر می‌داند و هوشمندی در این باره را توصیه می‌کند (همان: ۸۳-۱۲۱).

عنوان فصل چهارم کتاب «قدرت نرم» است. نویسنده به کاربرد مفهوم قدرت نرم در رسانه‌ها، محافل آکادمیک، و ازسوی رهبران سیاسی اشاره می‌کند و می‌نویسد قدرت نرم شکلی از قدرت برای دستیابی به نتایج مورد نظر است و تعارضی با رئالیسم ندارد. نای کاربرد قدرت نرم را دشوار توصیف می‌کند؛ زیرا آسان از دست می‌رود و بازیافت آن بی‌هزینه نیست؛ از این‌روست که قدرت نرم را بر اعتبار و باور استوار می‌داند و می‌نویسد عوام‌فریبی و پیچیدن اطلاعات در لفافه تبلیغ و هیاهو ازسوی دولت‌ها می‌تواند موجب زوال آن شود. نای آن‌چه را در کتاب قدرت نرم بدان پرداخته در این فصل مرور (نای ۱۳۸۷) و برای قدرت نرم سه منبع بنیادی ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: فرهنگ،

ارزش‌های سیاسی، و سیاست خارجی؛ فرهنگ وقتی گیرایی داشته باشد ارزش‌های سیاسی چنانچه کشورها در درون و بیرون به آن وفادار باشند و سیاست خارجی در صورتی که دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی داشته باشد می‌تواند موجب قدرت نرم شوند. البته منابع قدرت نرم محدود به این سه منبع نیست، چنان‌که منابع اقتصادی و حتی منابع نظامی نیز می‌توانند منبع قدرت نرم شوند.

نای قدرت نرم امریکا را تبیین می‌کند و با اتکا به منابع قدرت نرم امریکا برتری این کشور را در این زمینه توضیح می‌دهد. نویسنده رفتارهای زائیده قدرت نرم را این‌گونه توصیف می‌کند: تنظیم دستورکار با هدف تأثیرگذاری بر راهبردهای بازیگران دیگر؛ قدرت جذب دیگران؛ و توانایی ترغیب سایر بازیگران. اعمال قدرت نرم را نیز از طریق دیپلماسی توضیح می‌دهد. نای به ضرورت و اهمیت دیپلماسی عمومی پرداخته و با تأکید بر این‌که باورپذیری و اعتبار منبع حیاتی قدرت نرم است اقداماتی مانند بلوف و اغراق را که باورپذیری را مختل می‌کنند مختل‌کننده قدرت نرم معرفی می‌کند. به اعتقاد نای، دیپلماسی عمومی به دلیل ارتباطات روزانه، ارتباط استراتژیک، و توسعه و گسترش مناسبات پایدار با عناصر کلیدی می‌تواند تصویری گیرا از یک کشور ایجاد کند و قدرت نرم تولید کند. نای ضمن تأکید بر این‌که در عصر اطلاعات همواره نرمی اثرگذارتر از سختی است به محدودیت‌ها و دشواری‌های کاربرد قدرت نرم اشاره می‌کند و هوشمندی را برای استفاده از این قدرت مهم معرفی می‌کند (نای ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۵۹).

۲.۴ جابه‌جایی قدرت

بخش دوم کتاب «جابه‌جایی‌های قدرت» نام دارد و دارای دو فصل پنجم و ششم است. در فصل پنجم، قدرت سایبری و تأثیرات آن توضیح داده می‌شود. نویسنده به انقلاب اطلاعاتی و اثرات آن اشاره می‌کند و ویژگی آن را سرعت جابه‌جایی و انتقال اطلاعات، حجم وسیع اطلاعات، کاهش هزینه ارتباطات، و جابه‌جایی اطلاعات و شکل‌گیری اشکال مختلف ارتباطات ذکر می‌کند. به اعتقاد نای، اطلاعات به منبع قدرت تبدیل شده و در اختیار مردم قرار گرفته است. بنابراین، سیاست جهانی از تیول دولت‌ها خارج شده است. از طرف دیگر، با انقلاب اطلاعاتی از قدرت کشورهای بزرگ کاسته شده و بر قدرت کشورهای کوچک افزوده شده است. باتوجه به ویژگی‌های قدرت سایبری و امکان برخورداری بازیگران دولتی، غیردولتی، و افراد از این قدرت نویسنده پراکنده شدن قدرت را

تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد چگونه افراد و بازیگران کوچک با استفاده از این قدرت می‌توانند بزرگ‌ترین قدرت‌ها را تهدید کنند.

نویسنده به تأثیرات استفاده از فضا و دامنه سایبری اشاره می‌کند و آن را موجد هم قدرت نرم و هم قدرت سخت می‌داند. نای به بهره‌برداری افراد و گروه‌های تروریستی از قدرت سایبری می‌پردازد و آسیب‌پذیری قدرت‌های بزرگ را یاد آور می‌شود؛ از این رو، تأکید می‌کند حتی بزرگ‌ترین قدرت‌ها نیازمند همکاری با سایر بازیگران هستند. به اعتقاد نای، قدرت سایبری زمینه پراکنده شدن قدرت در عرصه بین‌المللی را فراهم کرده است. گرچه قدرت‌های بزرگ در برخی از حوزه‌ها مانند دریا، هوا، و فضا هم‌چنان موقعیت انحصاری دارند، اما در فضای سایبری رقبای کوچک و بزرگ فراوانی پیدا کرده‌اند. کثرت بازیگران در دامنه و فضای سایبری موجب شده است قدرت بازیگران نسبی باشد. گرچه دولت‌ها به دلیل تسلط بر جغرافیا و برخورداری از برخی از امکانات و منابع قدرت بیش‌تر می‌توانند از فضای سایبری استفاده کنند، اما پراکندگی قدرت بین بازیگران دولتی، غیردولتی، شرکت‌ها، و افراد دولت‌ها را آسیب‌پذیر ساخته است (همان: ۱۵۹-۲۰۹).

فصل ششم «گذار قدرت: مسئله فرود آمریکا» است. در این فصل افول قدرت آمریکا بررسی شده است. نای افول قدرت را به دو شکل مطلق و نسبی مورد توجه قرار داده و ظهور قدرت جدید، فساد داخلی، و یا یک هجوم خارجی را از عوامل افول قدرت کشورها می‌داند. نای دیدگاه‌هایی را که درباره افول قدرت آمریکا ارائه شده ارزیابی کرده و برتری قدرت آمریکا را در اوایل قرن ۲۱ تأیید می‌کند، اما ادامه آن را مورد مناقشه می‌داند. نویسنده، با اشاره به توزیع منابع قدرت در جهان، رقبای آمریکا را معرفی و توانمندی‌های آن‌ها را توضیح می‌دهد. اروپا، ژاپن، و کشورهای بریک (برزیل، روسیه، هند، و چین) مهم‌ترین رقبایی هستند که می‌توانند قدرت آمریکا را به چالش بکشند. نای ضمن اشاره به عوامل قدرت این رقبای ضعیف‌های آن‌ها را برمی‌شمارد و معتقد است آمریکا با بهره‌گرفتن از آن‌ها می‌تواند برتری خود را حفظ کند.

در کنار رقبای بیرونی آمریکا، نویسنده به آسیب‌ها و انحطاط داخلی آمریکا اشاره می‌کند و آن را از عوامل فرود قدرت آمریکا می‌داند. نای معتقد است مشکلات داخلی آمریکا چندان حاد نیست، اما عامه مردم معتقدند وضع بسیار خراب است. مشکلات ناشی از مهاجرت، مشکلات مالی و اقتصادی، شکاف بین فقرا و ثروت‌مندان، ضعف نهادهای سیاسی، و افت اعتماد عمومی از مشکلات داخلی آمریکاست. نای تأکید می‌کند مردم آمریکا به قانون اساسی و نظام سیاسی کشورشان اعتماد دارند، اما نسبت به دولت و عملکرد

آن بی‌اعتمادند. این بی‌اعتمادی و داوری عمومی موجب کاهش قدرت نرم و قدرت سخت امریکا می‌شود. نای تأکید می‌کند با نشانه‌های افول قدرت امریکا روبه‌رو هستیم؛ اما این افول مطلق نیست و امریکا وارفته نیست. نویسنده احتمالات درباره وضعیت آینده قدرت امریکا را به عوامل مختلفی وابسته می‌داند و می‌نویسد تأکید بر فرود قدرت امریکا گمراه‌کننده است. امریکا با مشکلات روبه‌روست، اما ترکیبی از اصلاحات داخلی با راه‌بردهایی هوشمند می‌تواند برتری قدرت امریکا را حفظ کند (همان: ۲۰۹-۲۷۹).

۳.۴ قدرت هوشمند

بخش سوم کتاب *آینده قدرت* سیاست نام دارد که شامل فصل هفتم با عنوان «قدرت هوشمند» است. نویسنده می‌کوشد قدرت هوشمند را معرفی و راه‌برد استفاده از آن را پیش‌نهاد کند. این مفهوم از نوآوری‌های نای است که در طراحی و تدوین راه‌بردها و سیاست‌ها بر سیاست‌مداران امریکا در دولت اوباما تأثیر زیاد داشته است. نویسنده تأکید می‌کند هر دو قرائت برتری امریکا و افول امریکا گمراه‌کننده است. نای عوامل قدرت را که در اختیار امریکاست معرفی و با اتکا به مفهوم قدرت هوشمند نتیجه‌گیری می‌کند اگر امریکا به درستی از این منابع استفاده کند می‌تواند موقعیت خود را در ساختار قدرت بین‌المللی حفظ کند. نویسنده راه‌برد قدرت هوشمند را معرفی و پیش‌نهادهای خود را به سیاست‌مداران امریکایی برای حفظ قدرت این کشور عرضه می‌کند. نای تأکید می‌کند این نوع از قدرت منحصر به امریکا نیست و کشورهای مختلف با بهره‌گیری از آن منابع در اختیار خود را تبدیل به قدرت و اقتدار می‌کنند. امریکا نیز با بهره‌گیری از قدرت هوشمند می‌تواند بر رقبا و ضعف‌های درونی فائق آید. نای پنج گام اساسی را برای موفقیت راه‌برد قدرت هوشمند ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. روشن و مشخص بودن هدف؛
۲. تهیه سیاهه‌ای از منابع و ارزیابی نوسانات این منابع در سایه تغییر شرایط؛
۳. ارزیابی منابع و ترجیحات اهداف برای اثرگذاری بر آن‌ها؛
۴. انتخاب رفتارهای قدرت‌مدار در شرایط گوناگون و نیز تعدیل تاکتیک‌ها به نحوی که به تقویت و نه تضعیف یک‌دیگر منجر شود،
۵. ارزیابی دقیق احتمال موفقیت در حصول اهداف هم در سطح استراتژی و هم به لحاظ تاکتیک‌های اثرگذاری و نفوذ (همان: ۲۷۹-۳۱۰).

در مبحث نهایی، جوزف نای نتیجه‌گیری خود را بیان کرده است. در نتیجه‌گیری آمده که اقتضای راهبرد قدرت هوشمند جای‌گزین کردن اختلاف دیرین واقع‌گرایی و لیبرالیسم با آمیزه‌ای از این دو است که نای نام آن را واقع‌گرایی لیبرال (liberal realism) می‌نامد. مشخصه واقع‌گرایی لیبرال را نای چنین بیان می‌کند:

الف. دغدغه اصلی آن درک قوت و قیود اقتدار امریکا باشد؛

ب. پای‌بندی به اهمیت استراتژی کلان و منسجمی که قدرت سخت و قدرت نرم را در فرایند تبدیل آن‌ها به قدرت هوشمند ترکیب کند؛

ج. تأمین امنیت امریکا و متحدانش، پایایی اقتصادی قدرت‌مند در سطح داخلی و جهانی، آمادگی در برابر بلایای محیطی، و ترویج لیبرال دموکراسی و حقوق بشر با هزینه‌ای معقول.

از نظر نای، راهبرد قدرت هوشمند باید پنج چالش را مدنظر و مقابله با آن‌ها را در اولویت قرار دهد. این پنج چالش عبارت‌اند از:

۱. تلافی تروریسم و مواد هسته‌ای؛

۲. اسلام سیاسی و شیوه بسط آن؛

۳. خیزش قدرتی مسلط و متخاصم؛

۴. رکود اقتصادی؛

۵. اختلالات بوم‌شناختی از قبیل امراض عالم‌گیر و تغییرات ناخواسته آب‌وهوایی (همان: ۳۱۰-۳۱۵).

۵. عوامل مؤثر در تدوین آینده قدرت

اگر باتوجه‌به نسبت اندیشه و واقعیت‌های عینی بپرسیم آیا تحولات و واقعیت‌های عینی اندیشه‌های کسانی چون جوزف نای را شکل داده یا آن‌که اندیشه‌های افرادی مانند نای واقعیت‌های بیرونی را رقم زده است؟ باید گفت تحولات بیرونی و محیطی موجب شکل‌گیری و ارائه دیدگاه‌های نای و نظریه‌اش درباره قدرت و آینده آن شده است. اما این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها با تأثیرگذاری بر تصورات، دیدگاه‌ها، اقدامات، رویدادها، و شکل‌دادن برخی از روندها سیاست‌ها و تحولات را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

مهم‌ترین عواملی که موجب ارائه دیدگاه‌های نای و نظریه‌اش درباره قدرت و آینده آن شده‌اند به تغییر و تحولات اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست‌ویک بازمی‌گردد. در این

مقطع تاریخی، جهان شاهد فروپاشی نظام دو قطبی و خروج جهان از فضای امنیتی مبتنی بر رقابت‌های تسلیحاتی (متعارف و غیرمتعارف) عصر جنگ سرد بود. به موازات این تحول با وابستگی‌های متقابلی که بین جوامع ایجاد شد ظهور اتحادیه‌های مختلف منطقه‌ای به‌ویژه با هدف همکاری‌های اقتصادی قوت گرفت. نماد این وضعیت شکل‌گیری اتحادیه اروپا بود. به‌ویژه با شکل‌گیری روند جهانی شدن و شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی در جهان در چهارچوب سازمان تجارت جهانی، رقابت‌های جهانی از عرصه‌های نظامی و امنیتی به عرصه‌های اقتصادی و تجاری کشیده شد.

این تحولات با روند شتابان گسترش ارتباطات و اطلاعات نیز همراه بود. در چنین محیطی که فضای سایبری و فعالیت در آن اهمیت می‌یابد افراد، شرکت‌ها، و گروه‌های غیردولتی به‌عنوان بازیگران بین‌المللی نقش برجسته‌ای می‌یابند و تروریسم بین‌المللی شکل می‌گیرد. این وضعیت با ناکارآمدی برخی از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا که مبتنی بر تفکر عصر جنگ سردی بود همراه می‌شود؛ چنان‌که امریکا در شکل‌دادن نظم نوین جهانی با محوریت امریکا به‌عنوان تک قطب جهان و ایجاد صلح در خاورمیانه در دهه ۱۹۹۰ ناکام ماند. در مهار گروه‌های تروریستی و جلوگیری از حملات آن‌ها به منافع امریکا نیز شکست خورد. حمله به سفارت‌خانه‌های امریکا در کنیا و نایروبی و سپس حملات ۱۱ سپتامبر نماد این شکست بود. فشارهای نظامی این کشور بر عراق برای ساقط کردن حکومت صدام نتیجه نداد و تحریم‌های اقتصادی ضد کوبا، ایران، عراق، و کره شمالی بی‌اثر ماند. نای هنگام ارائه مفهوم قدرت هوشمند به‌صراحت به کاهش نفوذ و تصویر امریکا در اوایل قرن بیست‌ویکم اشاره می‌کند و قدرت هوشمند را راهی برای جبران آن می‌داند (Nye 2007).

این تحولات موجب شد عوامل سنتی قدرت که به‌طور عمده بر قدرت سخت و قدرت نظامی متکی بود کارایی و توان تأثیرگذاری خود را از دست بدهند و درعین حال، عوامل جدیدی به‌عنوان عوامل و منابع قدرت، نفوذ، و اقتدار ظهور کنند. در این فضا نظریه‌ها و دیدگاه‌های سنتی مبتنی بر قدرت سخت و دارای ماهیت نظامی و امنیتی توان تبیین و توضیح تحولات بین‌المللی و ارائه راه‌کار برای مقابله با مشکلات را از دست می‌دهند. لذا، زمینه طرح نظریه‌ها و دیدگاه‌های متناسب با محیط و فضای جدید بین‌المللی که قدرت توضیح این تحولات را داشته باشد و بتواند به دولت‌ها برای تعقیب اهداف و منافعشان راه‌برد و راه‌کار ارائه کند فراهم می‌شود.

بسیاری از متفکران روابط بین‌الملل معتقدند: «تحولات دهه پایانی سده بیستم دوران‌ساز و نشانه نوعی دگرذیسی است که با گذار از نظام قرون وسطی به نظام دولت‌های نو در میانه سده هفدهم شباهت دارد». اما این مفسران تفسیرهای بسیار متفاوتی از سرشت این دگرذیسی به‌دست داده و ویژگی‌های متباینی برای نظم بالنده جهانی برشمرده‌اند (فرای و اهیگن ۱۳۹۰: ۲۴)؛ از این‌روست که در این فضا نظریه‌های مختلف که گاه متعارض و متضاد با یک‌دیگر هستند ارائه می‌شوند و می‌کوشند دست دولت‌ها را در تحلیل شرایط و انتخاب راه‌برد و راه‌کار بگیرند. نظریه جوزف نای نیز تحت تأثیر این شرایط و متأثر از این فضا مطرح گردید تا راهی پیش‌پای دولت امریکا بگذارد. بنابراین، به‌شدت متأثر از محیط بین‌المللی اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست‌ویکم است. اما این نظریه و راه‌برد منبعث از آن بعدازآن‌که مطرح شد در موارد بسیاری مبنای عمل قرار گرفت و سیاست‌ها و محیط سیاسی را تحت تأثیر قرار داد.

۶. نقد و ارزیابی کتاب *آینده قدرت*

۱.۶ نقد و ارزیابی شکلی اثر

از نظر شکلی، کیفیت فنی و ظاهری اثر (حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، و قطع کتاب) خوب و مناسب است. طرح جلد ساده و به‌نوعی تداعی‌کننده سایه قدرت بر جهان است. اما منعکس‌کننده محتوای کتاب یعنی انواع‌واقسام قدرت و ابعاد مختلف آن نیست. متن اثر در انتقال مفهوم گویاست، اما از لحاظ ویرایشی و نگارشی اشکالاتی دارد که شایسته است در چاپ‌های بعدی مرتفع شود. نمونه‌ای از اشکالات ویرایشی و نگارشی در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۱. اشکالات نگارشی و ویرایشی

ردیف	نکات ویرایشی و نگارشی	صفحه	صحیح
۱	قر	۳۱	قرن
۲	جنگ‌های پیوندی	۶۲	نیاز به توضیح در زیرنویس
۳	جوجیتسو در ص ۲۵ جوجیتسو در ص ۶۳	۶۳ و ۲۵	کلمه صحیح کدام است؟
۴	رفتاری زاینده قدرت اقتصادی، قائم به وجوه اقتصادی حیات اجتماعی است — تولید و مصرف ثروتی سنجش‌پذیر با پول.	۸۴	کاما بعداز کلمه قدرت اقتصادی

۵	برآیند رشد اقتصادی، یک بزرگ‌تری است که غالباً برنده سهم بیش‌تر را قدرت نسبی مشخص می‌کند.	۸۴	کاما بعداز کلمه رشد اقتصادی
۶	بسیاری همان‌گونه جنگیدن را ...	۱۰۵	بسیاری همان‌گونه که جنگیدن را ...
۷	ارزش‌ها هرچه پیش‌تر میان انسان‌ها مشترک ...	۱۲۷	ارزش‌ها هرچه پیش‌تر میان انسان‌ها مشترک ...
۸	توجه غالباً نامتقارن است و حجم و بزرگی مسئله، جلب‌توجه بیش‌تر را ...	۱۳۲	کاما بعداز بزرگی مسئله
۹	داوری برسر ... در هریک از سه مدل متفاوت است.	۱۳۵	در متن به دو مدل اشاره شده است، اما در این جمله از سه مدل صحبت می‌شود.
۱۰	اشخاص ثالثی که پیش‌از منطق، دل بسته ...	۱۳۵	کاما بعداز منطق
۱۱	جاذبه قدرت نرم میوه آن‌گاه محتاج اندک تلاشی نیز هست.	۱۳۵	نامفهوم
۱۲	... در اروپا، روسیه و چین افزایش، اما در چین کاهش یافته است.	۱۴۱	مشخص نیست در چین افزایش یا کاهش یافته؟؟؟
۱۳	... نمود مدرن و متمدانه‌تر جهان ...	۱۵۸	... نمود مدرن و متمدانه‌تر جهان ...
۱۴	قانون تجارت دستپخت قرون میانه، بیش‌تر ...	۱۶۴	کاما بعداز قرون میانه
۱۵	... نگرش‌های تازه پدید آورند.	۱۶۴	... نگرش‌های تازه پدید آورند.
۱۶	... به‌لحاظ سیاسی مرتبط	۱۹۱	... به‌لحاظ سیاسی مرتبط
۱۷	... که قابلیت درآمدزایی‌شان اندک، است ...	۱۹۷	کامای بعداز اندک زائد است.
۱۸	برخی امریکاییان از آن‌جاکه باور به فرود قدرت، دست‌گذاشتن بر نقطه‌ای حساس ...	۲۰۸	کاما بعداز فرود قدرت
۱۹	سالی بعد ادوارد شوارد نادره نیز به مقامات کشورش گوش‌زد بود ...	۲۲۶	سال بعد ادوارد شوارد نادره نیز به مقامات کشورش گوش‌زد کرده بود.
۲۰	... چین و شوروی علیه امریکا در دست یک‌دیگر گذاشته‌اند.	۲۲۹	... چین و شوروی علیه امریکا در دست یک‌دیگر گذاشته‌اند.
۲۱	به‌باور یک کارشناس، نظام سیاسی چین ...	۲۴۳	کامای بعداز کارشناس
۲۲	... بر توفیق تروریست‌ها در یادگیری افزوده است.	۲۹۹	... بر توفیق تروریست‌ها در یادگیری افزوده است.

برگردان اثر از انگلیسی به فارسی از نظر انتقال مفهوم خوب است اما چندان روان و سلیس نیست. با توجه به ساختار متفاوت جملات انگلیسی با جملات فارسی در ترجمه‌ها معمولاً تلاش می‌شود ساختار جملات نیز به ساختار جملات فارسی برگردانده شود. اما در ترجمه این اثر در موارد زیادی ساختار جملات لاتین هم‌چنان حفظ شده است. این نوع از ترجمه بر روانی و رسایی متن آسیب رسانده و حتی موجب شده در برخی موارد جملات نامفهوم باقی بماند.

جدول ۲. حفظ ساختار جملات لاتین در ترجمه فارسی

اشکال	صفحه	جمله و عبارت
ساختار ترجمه‌ای	۷۹	... بسته به احراز شرایطی چون قابلیت است و رهیافتی ملموس و مفهوم.
ساختار ترجمه‌ای	۸۳ در زمره منابع بنیادین قدرت‌اند - اعم از سخت و نرم.
ساختار ترجمه‌ای	۱۲۷	پراکندگی آن اما فراگردی است تازه‌تر.
ساختار ترجمه‌ای	۱۵۸ صحنه را متراکم‌تر از همیشه می‌بینند و به دشواری مهارپذیر.
ساختار ترجمه‌ای و جمله نامفهوم	۱۹۷	سازمان‌های تبه‌کار کارکشته‌اند ... گسترش سلاح‌های هسته‌ای اما بسیار آسان‌تر.
ساختار ترجمه‌ای و جمله نامفهوم	۲۰۴	... و خود نشانه بارز پراکندگی قدرتی نمود و شاخصه سیاست جهانی در قرن حاضر.
جمله نامفهوم و نارسا	۲۲۷	... و سرمایه‌داری روسی ... لازم برای اعتمادسازی در مناسبات بازار
جمله نامفهوم	۲۶۳	... منابع قدرت این کشور به نتایجی میوه قدرت می‌دانند.

۲.۶ نقد و ارزیابی محتوایی اثر

اثر نظم منطقی و انسجام مناسبی دارد؛ به گونه‌ای که هر فصل مقدمه‌ای برای ورود به فصل بعدی است و فصول یک‌دیگر را کامل می‌کنند تا به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری، و ارائه راه‌کار می‌رسد. در درون هر فصل (تسلسل عناوین جزئی و پیوند با نتیجه اثر) نیز نظم منطقی و انسجام مطالب حفظ شده است. نویسنده در هر فصل با ارائه مطالب در نظمی منطقی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌رسد. منابعی هم که در اثر به آن‌ها استناد شده در موارد زیادی ضمن روزآمدی و جدیدبودن کاملاً مستند است که موجب غنای اثر شده است؛ با این همه، از نظر محتوایی نکات زیر قابل توجه است:

۱. نگاهی به عنوان کتاب/آینده قدرت ذهن را به سمتی هدایت می‌کند که با اثری درباره قدرت و ماهیت آن روبه‌رو هستیم که سعی دارد با توجه به تحولات آینده قدرت را مشخص سازد؛ از این رو، ذهن آماده می‌شود دریابد از نظر نای قدرت در آینده چیست؟ چه ماهیتی دارد؟ و در آینده این ماهیت چه تغییر و تحولاتی را به خود خواهد دید؟ اما کتاب/آینده قدرت بیش از آن که کتابی باشد درباره آینده قدرت کتابی است درباره قدرت‌مند آینده و تلاشی است برای پاسخ‌دادن به این سؤال که کشور قدرت‌مند آینده (قدرت آینده در عرصه بین‌المللی) چه کشوری است؟ و آمریکا به عنوان کشوری قدرت‌مند در آغاز قرن بیست‌ویکم در آینده چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

نویسنده، باتوجه به وضعیت قدرت بازیگران مختلف، وضعیت قدرت امریکا را بررسی می‌کند. در راه عوامل و عناصر قدرت و چگونگی تبدیل شدن آن‌ها به قدرت ملی را بررسی و با مقایسه وضعیت امریکا با وضعیت سایر کشورها وضعیت قدرت امریکا را در آینده توصیف می‌کند. باین توصیف، سعی می‌شود به کسانی که صحبت از افول قدرت امریکا می‌کنند و مقامات امریکایی که نگران افول قدرت و نقش امریکا در عرصه بین‌المللی شده‌اند اثبات کند هم‌چنان امریکا قدرت اول جهان است و اگر از منابع قدرت هوشمندانه استفاده کند، هم‌چنان به‌عنوان کشور قدرت‌مند در آینده باقی خواهد ماند؛ بنابراین، باتوجه به عنوان اثر و محتوای آن کتاب از نظر انطباق عنوان با محتوا مخدوش است.

۲. کتاب امریکامحور است و دستورالعملی برای سیاست‌مداران امریکاست که چگونه عمل کنند تا موقعیت امریکا به‌عنوان قدرت اول جهان از خطر نجات یابد. مسائل مختلف و قدرت بازیگران متعدد بررسی شده، اما همه به‌گونه‌ای سامان‌دهی شده است که وضعیت قدرت امریکا تبیین شود. در این کتاب گرایش و علاقه‌نای به امریکا به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار کاملاً مشهود است و تاحدی گرایش‌های ملی‌گرایانه وی را منعکس می‌سازد. به‌عنوان یک اندیشمند و عضو هیأت علمی دانشگاه تلاش کرده موضوع تحولات قدرت کشورها را به‌صورت علمی موردبحث قرار دهد، اما تمایلات ملی‌گرایانه‌اش که جامعه بین‌المللی تحت سلطه امریکا را مطلوب می‌شناسد به‌صورت عریان بیان می‌شود و برای رسیدن به آن دست به راه‌بردنگاری می‌زند و راه‌برد قدرت هوشمند را به سیاست‌مداران امریکا پیش‌نهاد می‌کند.

۳. وابستگی حزبی و گرایش سیاسی جوزف نای در ارائه دیدگاه‌هایش تأثیر فراوان دارد و محتوای کتاب حاکی از تلاش وی برای کمک به دولت امریکاست. وی، با مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امریکا، خود را موظف به تلاش برای حل مشکلات این کشور در عرصه بین‌المللی می‌داند؛ ازاین‌رو، برای حفظ موقعیت امریکا در ساختار بین‌المللی راه‌برد طراحی می‌کند، دستورالعمل ارائه می‌دهد، و خط‌مشی سیاسی تعیین می‌کند. راه‌برد و دستورالعمل‌های وی مبنای عمل نیز قرار گرفت. با مطرح‌شدن راه‌برد قدرت هوشمند، این راه‌برد مورد استفاده دولت امریکا قرار گرفت. از ابتدای ورود اوپاما به کاخ سفید در سال ۲۰۰۸ و باتوجه به ناکارآمدی سیاست‌های امریکا با کاربرد قدرت سخت یا قدرت نرم به‌ویژه در خاورمیانه کاربرد قدرت هوشمند از سوی امریکا مبنای عمل قرار گرفت. تأکیدهای مکرر بر گزینه‌های روی میز در برخورد با ایران هم نمادی از کاربرد این راه‌برد بوده است.

۴. باتوجه به وابستگی‌ها و گرایش‌ها نویسندگان درباره میزان رعایت بی‌طرفی علمی در تحلیل‌های این اثر باید گفت بی‌طرفی علمی به معنای این‌که نویسنده کتاب جهت‌گیری سیاسی نداشته باشد در این اثر وجود ندارد. نویسنده وابسته به یکی از جریان‌های سیاسی و فکری در امریکا است که در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نقش دارد. لذا، سعی کرده ضعف‌ها و تهدیدهای موجود بر سر راه امریکا و فرصت‌ها و امکانات در اختیار این کشور را گوش‌زد کند و برای حفظ قدرت امریکا راه‌کار ارائه کند. نویسنده ناظر یا تحلیل‌گری بی‌طرف نیست. کاملاً نسب به موضوعی که بررسی کرده موضع دارد و اثری با جهت‌گیری مشخصی را تدوین کرده که هدفش یافتن راهی برای شناسایی و رفع ضعف‌های امریکا است.

۵. رویکرد نای به شدت محافظه‌کارانه و تلاش برای حفظ وضع موجود ساختار بین‌المللی است. نای وضع موجود ساختار قدرت بین‌المللی را که در آن امریکا وضع مسلط دارد وضع مطلوب می‌داند و نگران تغییراتی است که احتمال وقوع دارد و می‌تواند به وضع مسلط امریکا آسیب بزند؛ از این رو، تلاش می‌کند با پیشنهادها و خود از تغییرات احتمالی در ساختار قدرت که می‌تواند امریکا را به زیر بکشد جلوگیری و وضع موجود را حفظ کند.

۶. نای در تبدیل شدن منابع قدرت به قدرت و اقتدار یک کشور شرایط را بسیار مؤثر می‌داند. ارزیابی وی از قدرت کشورها نیز بر اساس شرایط و تحولات سیاسی بین‌المللی صورت گرفته است. زمانی که شاهد ناکارآمدی کاربرد قدرت سخت از سوی دولت بوش پسر در حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بود قدرت نرم را مطرح کرد. نای در کتاب قدرت نرم درباره نگارش کتاب و علل توجه به قدرت نرم می‌نویسد: «جنگ چهارهفتگی عراق در بهار ۲۰۰۳ نمایش خیره‌کننده قدرت سخت امریکا بود ... اما این پیروزی آسیب‌پذیری ما را در مقابل تروریسم برطرف نکرد؛ ضمن این‌که هزینه‌هایی را هم برای قدرت نرم ما دربر داشت» (نای: ۱۳۸۷: ۲۶). زمانی هم که کاربرد قدرت نرم، که در چهارچوب طرح خاورمیانه بزرگ‌تر و ایجاد تغییرات در کشورها از طریق ارتباط با جامعه مدنی و افکار عمومی مطرح شد، به علت ضعیف شدن قدرت نرم امریکا چندان مؤثر واقع نشد راه‌برد قدرت هوشمند را مطرح کرد. از این جهت، نای مبنا و معیار مشخصی برای ارزیابی قدرت به دست نمی‌دهد و همه چیز به شرایط بستگی دارد و دولت‌ها باید همه عوامل و عناصر را باتوجه به شرایطی که در آن به سر می‌برند مورد توجه قرار دهند. بنابراین، قدرت هر

کشور بیش از آن که به عوامل و عناصر قدرت (چه از نوع نرم و چه از نوع سخت) بستگی داشته باشد به شناخت دقیق شرایط و هوشمندی و موقع‌شناسی سیاست‌مداران در به‌کارگیری منابع و عناصر قدرت وابسته است. اگر همه عناصر موجود باشد اما این هوشمندی و موقع‌شناسی نباشد، قدرتی به‌ظهور نمی‌رسد. با این دیدگاه ارزیابی و سنجش قدرت کشورها دشوارتر می‌شود.

۷. راه‌برد قدرت هوشمند پاسخی به شرایط و تحولات بین‌المللی است که منجر به ظهور جریان‌ها و روندهایی متعارض به موازات هم می‌شود. اگرچه هم‌چنان بر قدرت سخت به‌عنوان یک عنصر اساسی و قدرت‌مند تأکید می‌شود، اما جهان امروز با فرایندها و روندهایی روبه‌روست که کاربرد قدرت سخت را دشوار می‌سازد. به‌عنوان مثال، با ظهور قدرت سایبری و فعال‌شدن و تأثیرگذاری افراد در عرصه بین‌المللی کاربرد زور علیه آن‌ها تأثیر ندارد. یا با فعال‌شدن گروه‌های تروریستی و پراکندگی آن‌ها در محیط بین‌المللی کاربرد زور چندان مؤثر نیست. از سوی دیگر، فرایندها و روندهایی شکل گرفته که کاربرد قدرت نرم را ضروری می‌سازد. روند گسترش ارتباطات و اطلاعات و ایجاد وابستگی‌های متقابل و جهانی‌شدن و فراهم‌شدن شرایط برای تأثیرگذاری بر ملت‌ها و تحولات کشورها بدون کاربرد قدرت سخت نمودی از این فرایندهاست؛ بنابراین، تأکید صرف بر کاربرد قدرت سخت و یا کاربرد قدرت نرم به‌هیچ‌وجه صحیح و مؤثر نیست. ترکیب آن‌ها با یک‌دیگر هم عملاً غیرممکن و خنثی‌کننده یک‌دیگر خواهند بود. لذاست که راه‌برد قدرت هوشمند معنا پیدا می‌کند؛ بدین معنا که کشورها از هیچ‌یک از انواع قدرت بی‌نیاز نیستند. درعین‌حال، نمی‌توانند آن‌ها را با هم ترکیب کنند. آن‌چه به کمک آن‌ها می‌آید هوشمندی و به‌موقع استفاده‌کردن از انواع عناصر و منابع قدرت است. در پاسخ به چنین وضعیتی است که نای راه‌برد قدرت هوشمند را پیش می‌نهد.

۸ «راه‌برد قدرت هوشمند» نوآوری نای محسوب می‌شود. اما باید آن را تأکید مجددی بر یک اصل قدیمی در استفاده از عناصر ملموس و غیرملموس قدرت به‌حساب آورد. نای قدرت هوشمند را استفاده به‌جا و به‌موقع از منابع قدرت سخت و نرم می‌داند؛ موضوعی که نظریه‌پردازان پیشین با بیانی دیگر مانند توان‌مندی، دانش، و کیفیت استفاده از عناصر قدرت به‌عنوان عنصر ناملموس قدرت مطرح کرده‌اند. مورگنتا به کیفیت دیپلماسی و کیفیت حکومت اشاره می‌کند و ترکیب و به‌کارگرفتن متناسب و متوازن همه عوامل را منبع قدرت می‌داند. مورگنتا (۱۳۷۴: ۲۴۶) می‌نویسد: «کیفیت دیپلماسی یک دولت همه آن عوامل متفاوت (عوامل قدرت) را به‌صورت مجموعه‌ای منسجم ترکیب می‌کند، به آن‌ها وزن

می دهد، و با دمیدن روح قدرت بالفعل در آنها امکانات بالقوه و خفته آنها را بیدار می کند». در کتاب سیاست جهان در بررسی عناصر قدرت چگونگی مدیریت و به کارگیری منابع عامل قدرت معرفی شده است (ارگانسکی ۱۳۴۸). سیف زاده، محقق ایرانی، در بررسی عناصر قدرت ملی یکی از عناصر ناملموس را ظرفیت و میزان رهبری و هدایت ملت می شناسد و می نویسد: «هیچ نیروی انسانی یا صنعتی و نظامی قادر به قدرت مند کردن ملت نخواهد شد، مگر آن که رهبری این منابع را با حداکثر تأثیر در صحنه جهانی مورد استفاده قرار دهد» (سیف زاده ۱۳۶۸: ۱۵۴). تنها نوآوری نای آن است که قدرت هوشمند را به شکلی مجزا و مستقل از ابعاد دیگر قدرت و به عنوان چهره جدیدی از قدرت مطرح کرده است، در حالی که نویسندگان دیگر آن را عنصری از دیگر عناصر قدرت و در کنار دیگر عناصر قدرت مطرح کرده اند.

۹. در کتاب *آینده قدرت* به جای معرفی قدرت و ماهیت آن عنصری که موجب قدرت کشورها می شوند یک به یک معرفی شده اند. همه عناصری که مطرح شده اند ماهیت و ذات یکسانی ندارند. بنابراین، قرارداد هر کدام از آنها به جای دیگری بدین معنا که یکی را بتوانیم جایگزین دیگری بکنیم کاملاً بی معناست. اگر کشوری یکی از منابع و عناصر یکی از انواع قدرت را به وفور داشته باشد اما از منابع و عناصر نوع دیگر قدرت بی بهره یا کم بهره باشد نمی تواند آنها را جایگزین کند. از همین روست که نویسنده در پایان به مفهوم قدرت هوشمند می رسد و هوشمندی در به کارگیری هریک از این عناصر و منابع قدرت را مطرح می کند و این هوشمندی را عامل قدرت می داند. نویسنده با اشاره به عنصری که در اختیار امریکاست هوشمندی را در به کارگیری این عناصر عاملی برای حفظ قدرت امریکا و حفظ و تداوم جایگاه آن در عرصه بین المللی در آینده توصیف می کند. بنابراین، تلاش برای تبیین آینده قدرت به تبیین وضعیت قدرت امریکا در آینده منتهی می شود.

۱۰. مفروض نویسنده این است که امریکا قدرت اول جهان است و با استفاده هوشمندانه از منابعی که دارد در آینده قابل پیش بینی نیز در این موقعیت خواهد ماند. البته نویسنده برای تبیین مسئله تلاش کرده به صورت علمی عمل کند و واقعیت ها را در چهارچوبی علمی به مقامات امریکا گوش زد کند. اما محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش فرض هایی که نویسنده درباره آینده قدرت امریکا مطرح کرده ناسازگار است. نویسنده در آینده قابل پیش بینی هم چنان امریکا را قدرت اول می داند، اما با مجموعه استدلال هایی که درباره تحول انواع و منابع قدرت و بی اثر شدن ابعاد مختلف قدرت مطرح می کند با این پیش بینی نمی تواند منطبق و سازگار باشد.

۷. نتیجه‌گیری

مطالعه کتاب *آینده قدرت* خواننده را هم با تحولات بین‌المللی هم با قدرت و انواع و اقسام آن و هم با آسیب‌ها و نقاط ضعف امریکا آشنا می‌سازد. از آن‌جا که نویسنده آن یکی از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل و از افراد تأثیرگذار در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امریکاست محل رجوع کسانی است که می‌کوشند تحولات بین‌المللی و سیاست‌های امریکا را بشناسند. فروش و تجدیدچاپ آن حاکی است در بازار کتاب ایران مشتری دارد. در مطالعه کتاب توجه به اشکالات آن ضروری است.

اشکالات کتاب در دو دسته شکلی و محتوایی است. نقاط ضعف شکلی کتاب به ترجمه آن برمی‌گردد. رفع این اشکالات توسط مترجم و تجدیدچاپ آن توسط ناشر پس از اعمال اصلاحات بسیار سودمند خواهد بود؛ اما از نظر محتوایی خواننده کتاب باید به این نکته توجه داشته باشد که کتاب *آینده قدرت* کتابی به شدت امریکامحور است و بیش از آن که کتابی باشد درباره آینده قدرت، و ماهیت آن کتابی است درباره کشور قدرت‌مند آینده. نویسنده اقسام قدرت و عناصر قدرت را ذکر می‌کند و به بحث می‌گذارد، اما در نهایت با ارائه راهبرد قدرت هوشمند دستورالعملی سیاسی برای حفظ قدرت امریکا ارائه می‌کند؛ دستورالعملی که در دوره ریاست جمهوری اوباما مبنای عمل قرار گرفت. آنچه کتاب *آینده قدرت* ترسیم کرده آسیب‌ها و نقاط ضعف امریکا، از یک سو، و عناصر و منابع قدرت این کشور، از سوی دیگر، است. نای راهبرد قدرت هوشمند را پیش‌نهاد داد تا بگوید دولت امریکا چگونه می‌تواند با تلفیق این عناصر قدرت و استفاده به‌جا و به‌موقع از آن‌ها بر آسیب‌ها و ضعف‌ها غلبه کند و موقعیت خود را به‌عنوان قدرت برتر جهان در قرن پیش‌رو حفظ کند. از این رو، آنچه را نای در کتاب *آینده قدرت* پیش‌نهاد داده در فهم قدرت، عناصر آن، و چگونگی کاربرد آن مؤثر است؛ اما با توجه به امریکامحوری آن لزوماً قابل‌تعمیم به همه کشورهای نیست. می‌تواند ما را با سیاست‌های امریکا به‌ویژه سیاست‌های دموکرات‌ها و تصوراتی که آن‌ها دارند آشنا کند، اما لزوماً مبنای عمل همه سیاست‌مداران و گرایش‌های مختلف درونی امریکا نیست.

کتاب‌نامه

- ارگانسکی، ای. اف. ک. (۱۳۴۸)، *سیاست جهان*، ترجمه حسین فرهودی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸)، *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، تهران: سفیر.

نقدی بر کتاب *آینده قدرت*؛ آینده قدرت یا آینده ایالات متحده آمریکا؟ ۲۸۵

فرای، گرگ، و جاسینتا اهیگن (۱۳۹۰)، *نظریه‌های متعارض از سیاست جهان*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: نشر نی.

مورگنتا، هانس جی. (۱۳۷۴)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه. نای، جوزف اس. (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

نای، جوزف اس. (۱۳۸۹)، «متن سخن‌رانی جوزف نای درباره جنگ نرم در شورای انگلیس»، مشرق، ۱۳۸۹/۶/۳۱، دریافت از: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news>

نای، جوزف اس. (۱۳۹۳)، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

Nye, Joseph S. (2007), "Smart Power", *The Huffington Post*, November 29.

Nye, Joseph S., "Profile", Available at:

<http://www.hks.harvard.edu/about/faculty-staff-directory/joseph-nye>.